

The Role of Social Media in the Formation of Protests and Their Transformation into Unrest and Insecurity (Case Study: 2022 Protests in Iran)

Mehdi Haji Ahmadi: PhD student in Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

email: mahdihajiahmadi5970@gmail.com

Nazanin Malkian: Associate Professor, Department of Cultural and Media Studies, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Islamic Azad University (Corresponding Author) Central Tehran Branch, Tehran, Iran. **email:** n.malekiyan@iauctb.ac.ir

This interpretive qualitative study employs the Attride-Stirling thematic analysis method to examine the role of social media in triggering the 2022 protests in Iran and their subsequent transformation into unrest and insecurity. The population includes active social media users who participated in the protests. Due to sampling limitations, a snowball sampling method was applied. Theoretical saturation was reached after 23 semi-structured interviews. Findings indicate that social platforms facilitated protest organization through infrastructure support and mechanisms such as emotional stimulation, rumor propagation, scandalization, defamation, and dramatization. While not inherently disruptive, these effects highlight the consequences of unregulated platform use and the absence of proper governance policies.

Keywords: Social Media, Civil Protests, Unrest, Insecurity, Iran, 2022 Protests.

How to cite this paper: Haji Ahmadi, M., & Malkian, N. (2025). The Role of Social Media in the Formation of Protests and Their Transformation into Unrest and Insecurity (Case Study: 2022 Protests in Iran). *Rasaneh*, 36(2), 173-197. [In persian]

نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری اعتراض و تبدیل آن‌ها به آشوب و ناامنی (مطالعه موردی: اعتراضات ۱۴۰۱)

نوشتۀ

مهدی حاجی احمدی*

نازنین ملکیان**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

چکیده

تسهیل ارتباطات و دسترسی به اطلاعات، اصلی‌ترین ویژگی‌ای است که فناوری برای دنیای مدرن به ارمغان آورده است. از این رو، ارتباطات هسته اصلی سیاست و مشارکت در جوامع امروزی به‌شمار می‌رود. این پژوهش، با توجه به اهمیت موضوع، به تبیین نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری اعتراضات و تبدیل آن‌ها به آشوب و ناامنی می‌پردازد. پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی با رویکرد تفسیری است که با بهره‌گیری از شیوه تحلیل مضمون اتراید-استرلینگ انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش همه افرادی را در برمی‌گیرد که از شبکه‌های اجتماعی به‌طور فعال استفاده کرده و در اعتراضات سال ۱۴۰۱ نیز مشارکت داشته‌اند. بنابراین، با توجه به پراکندگی و ناشناس بودن جامعه آماری و نبود امکان شناسایی نمونه‌ها، برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از شیوه نمونه‌گیری هدفمند گلوله‌برفی استفاده شد. در این پژوهش، اشباع نظری پس از انجام ۲۳ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به دست آمد. نتایج نشان داد که شبکه‌های اجتماعی مجازی با بسترسازی و تأمین زیرساخت لازم برای معترضان مدنی و مخالفان، زمینه را برای بروز اقداماتی مانند سیاه‌نمایی، برجسته‌سازی، تحریک احساسات، اتهام‌زنی، جسارت‌آفرینی و شایعه‌سازی فراهم می‌کنند. همچنین، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های مخالفان برای ایجاد و تقویت ناآرامی‌ها و اعتراضات، بهره‌گیری از ظرفیت اقناع‌سازی و برجسته‌سازی رسانه‌ها برای تحریک عواطف و احساسات کاربران بوده است. البته این موضوع، نتیجه سوءاستفاده از این پلتفرم‌ها در سایه نبود سیاست‌گذاری‌های مدیریتی و نظارتی است و نمی‌توان آن را کارکردی ذاتی و منفی برای شبکه‌های اجتماعی مجازی دانست. کلیدواژه: شبکه‌های اجتماعی، اعتراضات مدنی، آشوب، ناامنی، ایران، اعتراضات ۱۴۰۱.

* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. mahdihajiahmadi5970@gmail.com

** دانشیار گروه مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول)، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. n.malekiyan@iauctb.ac.ir

نحوه استناد به این مقاله: حاجی احمدی، مهدی و ملکیان، نازنین (۱۴۰۴). نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری اعتراض و تبدیل آن‌ها به آشوب و ناامنی (مطالعه موردی: اعتراضات ۱۴۰۱). رسانه، ۳۶(۲)، ۱۷۳-۱۹۷.

مقدمه

در جوامع شبکه‌ای امروزی، ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، سکوها و اهرم‌هایی برای تغییرات اجتماعی به‌شمار می‌آیند (تومی^۱، ۲۰۰۴). تسهیل ارتباطات و دسترسی به اطلاعات، اصلی‌ترین ویژگی‌ای است که فناوری برای دنیای مدرن به ارمغان آورده است. از این‌رو، ارتباطات هسته اصلی سیاست و مشارکت در جوامع امروزی است (دی‌لندچر^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). شبکه‌های اجتماعی به افراد اجازه می‌دهند محتوا تولید کنند و محدودیت‌های دولتی را زیر پا بگذارند. مهم‌تر از همه، رسانه‌های اجتماعی به ابزاری مؤثر در بسیج آحاد مردم برای موضوع‌های گوناگونی مانند تغییر سیاست، پروژه‌های بشردوستانه و اعتراضات مدنی تبدیل شده‌اند.

تحول رسانه‌های اجتماعی در جنبش‌های اعتراضی و ناآرامی‌های عمومی نیز تأثیرگذار بوده است. امروزه شکل‌های جدید رسانه‌های اجتماعی در پوشش خبری رویدادها نقش دارند. همچنین، شبکه‌های مجازی به ابزاری مفید برای نظارت بر تظاهرات، ایجاد سطحی بی‌سابقه از شفافیت، ارزیابی دخالت نیروهای امنیتی و انتظامی و ارائه تصاویر زنده از رویدادها تبدیل شده‌اند. بنابراین، امروزه در اعتراضات مدنی، دولت‌ها با شیوه‌های ارتباطی جدید و جریان‌های اطلاعاتی که مهارشدنی نیستند، تهدید می‌شوند (لاموروکس و سورا^۳). باین‌حال، سیاستمداران برای مقابله با این تلاش‌ها، راهبردهایی را برای جلوگیری از ارسال محتواهای آسیب‌زا به کار گرفته‌اند (جوست^۴ و همکاران، ۲۰۱۸)؛ اما این راهبردها نتوانسته‌اند مانع کارکرد واقعی شبکه‌های اجتماعی شوند.

گسترش ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی چنان تأثیرگذار بوده است که از عصر و جوامع حاضر با عنوان "عصر اطلاعات" و "جوامع شبکه‌ای" یاد می‌شود (کاستلز^۵، ۱۳۸۵). این تحول و جهان شکل‌گرفته از آن، به تعبیر هابرماس، "جهان زیستی" است که در آن، انسان، زندگی و سلوکی جدید خلق می‌کند و ما را در بطن فرایند رسانه‌ای شدن قرار می‌دهد؛ فرایندی که ضمن تبادل آزاد اطلاعات و گسترش فضای گفت‌وگو، همواره در پی دورشدن از سیطره دولت است. این شیوه سلوک و خلق جهان فناورانه که دستاورد زندگی متمایز انسان در برابر دیگر موجودات است (حسین‌پور و رشیدی، ۱۴۰۰: ۱۱۱)، خود تهدیدها و فرصت‌های بی‌شماری را در حوزه‌های گوناگون از جمله سیاست و اجتماع فراهم کرده و پرداختن به آن در حوزه سیاست‌گذاری رسانه، چه از جنبه سلبی و چه ایجابی، اجتناب‌ناپذیر است. چراکه سلطه اطلاعات روزبه‌روز افزایش می‌یابد و آنگاه که به شکل‌گیری "واقعیت مجازی" یا "مجاز

1. Tuomi

2. De Landtsheer

3. Lamoureux & Sureau

4. Jost

5. Castells

واقعی "می انجامد، خود، عامل و بستر بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شده و ظرفیت ایجاد هویت های جدید، فضاهای تفاهم و روابط افقی، کانون های مقاومت، جنبش بسیج مردمی، اعتراض، شورش و نافرمانی را پیدا می کند.

بیان مسئله

در کشور ما، با توجه به ضریب نفوذ اینترنت و سهم بالای عضویت در شبکه های اجتماعی و پیام رسان ها، می توان برخی از آثار و پیامدهای گسترش این شبکه ها و جامعه شبکه ای را بررسی کرد؛ واقعیتی که همه حوزه های سیاست، جامعه و فرهنگ را تحت تأثیر قرار داده است. شدت و دامنه تأثیرگذاری شبکه ها به اندازه ای است که هر لحظه امکان شکل گیری "سیاست مخالفت" در فضای بی زمان و زمان های بی فضا وجود دارد. این به آن معناست که شبکه ها توانسته اند یا این توانایی را دارند تا به تعبیر گرامشی، سلطه هژمونیک دستگاه های مشروعیت ساز نظام سیاسی را با اخلال روبه رو کنند، خرده گفتمان های اعتراض و تفکرات انتقادی را در شکل های گوناگون تولید کنند و سبب انتقال جلوه های جدید کش سیاسی به فضای غیر قابل دسترس سایبر شوند.

اعتراضات و آشوب های ۱۴۰۱ در کشور از مهم ترین جلوه های تأثیرگذاری شبکه های اجتماعی بر عرصه سیاست کشور بود که از اعتراضات ساده اجتماعی - اقتصادی، به یک اعتراض سیاسی تبدیل شد و شعارها از ماهیت اقتصادی - اجتماعی به شعارهایی با ماهیت سیاسی تغییر یافت. در جریان این اعتراضات، کاربران و کنشگران نخست با بهره گیری از ظرفیت های نامحدود فضای مجازی، جنگ روانی، تبلیغات انحرافی، فعالیت ها، اقدام های تحصن آمیز، اعتراض آمیز و کارناوالیسم خیابانی را سازمان دهی کردند و در اطلاع رسانی های گسترده، کمپین ها، فراخوان های مجازی و جریان سازی روندها و رویدادها در راستای بروز این بحران ها و اعتراضات اجتماعی نقش آفریدند. هدایت کنندگان و رهبران این تجمعات در برخی موارد گروه های اپوزیسیون، جریان های رسانه ای معاند، مخالفان و حتی سوء استفاده کنندگان داخلی بودند که از اعتراضات اقتصادی و معیشتی برخی از مردم بهره برداری کرده و با طرح ریزی، سازمان دهی، هدایت های مجازی و تدابیر تبلیغاتی و تخریبی، عرصه و موضوع اجتماعی - اقتصادی را با بهره گیری از ظرفیت ها و کارکردهای شبکه های اجتماعی به یک بحران اجتماعی - سیاسی دامنه دار و مسئله امنیتی - انتظامی تبدیل کردند. به این ترتیب و با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش به تبیین نقش شبکه های اجتماعی در شکل گیری اعتراضات و تبدیل آن ها به آشوب و ناامنی می پردازد و در همین راستا، اعتراضات ۱۴۰۱ به طور موردی مبنای مطالعه قرار گرفته است. امید است نتایج این مطالعه بتواند راهگشای سیاست گذاری واقع بینانه در حوزه شبکه های اجتماعی باشد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های بسیاری در داخل و خارج از کشور درباره نقش و جایگاه شبکه‌های اجتماعی بر کاربران و جوامع انسانی انجام شده است. در ادامه، برخی از مهم‌ترین این مطالعات از نظر نتایج به دست آمده بررسی خواهند شد.

عبدالرحمانی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان "بررسی رابطه کاربری پیام‌های فضای مجازی با گرایش به اغتشاشات"، بیان کرده‌اند که افزایش مطالبه‌های اجتماعی، ترغیب مردم، حمایت بین‌المللی از معترضان، بزرگ‌نمایی، سیاه‌نمایی و انتشار اخبار دروغین و شایعات با گرایش به اغتشاش‌ها ارتباط دارد.

جان‌پرور و حیدری (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای نشان دادند که فضای مجازی ظرفیت‌های بالایی برای تحت تأثیر قرار دادن و به چالش کشیدن امنیت اجتماعی دارد؛ به گونه‌ای که حضور و استفاده روبه‌گسترش افراد از این فضا، زمینه سست شدن بنیان خانواده (به عنوان تکیه‌گاه و پایه اصلی هر جامعه)، فاصله گرفتن افراد از یکدیگر، تجمل‌گرایی، فردگرایی، مدگرایی و بی‌اعتمادی به مسئولان را فراهم آورده و سبب شده است امنیت اجتماعی با چالش روبه‌رو شود.

صادقیان (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان "بررسی نقش کارکردی رسانه‌ها در امنیت ملی و عمومی" نشان داد که رسانه‌ها در تقابل با امنیت عمومی و ملی نیستند، بلکه مکمل و مهم‌ترین عامل تقویت‌کننده امنیت ملی و عمومی به شمار می‌روند. رسانه‌های اجتماعی نقش فرهنگ‌پذیری، آموزش، اطلاع‌رسانی و ایجاد احساس امنیت، به‌ویژه امنیت عمومی و ملی و مشارکت اجتماعی را بر عهده دارند که تقویت آن‌ها زمینه‌ساز توسعه امنیت ملی خواهد بود. بهمنی و محمدی شکیبا (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای با عنوان پنداشت‌ها و برداشت‌های موجود در جامعه درباره شبکه‌های اجتماعی با استفاده از روش کیو، اذعان کرده‌اند؛ گرایش‌های فردگرایانه، میل به دیگری بودن، میل به بزرگ‌نمایی، میل به شناخته شدن، میل به تشویق شدن، میل به خود افشاگری و خودنمایی، لذت تأثیرگذاری بر دیگران و لذت تعامل اجتماعی، از تأثیرات روانی رسانه‌های اجتماعی بر کاربران است و درگیر شدن در نوعی فرهنگ ارتباطی، دریافت حمایت‌های اجتماعی، گسست میان نسلی، ایجاد هویت نامشخص، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های مختلف، افزایش تحریک‌پذیری قومیت‌ها، ایجاد راه‌های ناهنجار و کنش‌های ضداجتماعی، از تأثیرات اجتماعی این رسانه‌ها بر کاربران محسوب می‌شود.

پانوار و سیهاگ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با عنوان "جنبش‌های اعتراضی، رسانه‌های اجتماعی و نقش نیروی انتظامی" نشان دادند که رسانه‌های اجتماعی جنبش‌های اعتراضی را هدایت نمی‌کنند، بلکه به آن‌ها شتاب می‌دهند. به گفته آنان، کاربران شبکه‌های اجتماعی با هشتک‌های

اعتراضی، شایعه‌ها و گاهی اطلاعات ساختگی، در تولید و توزیع سریع فایل‌های صوتی و تصویری برخط نقش داشته‌اند.

اووالاکا^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان "رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان وسیله همبستگی در اعتراضات ۲۰۲۰ در نیجریه"، با استفاده از شیوه پیمایش و تحلیل محتوا، رابطه‌ای میان سهولت استفاده معترضان از پلتفرم رسانه‌های اجتماعی و به‌کارگیری این پلتفرم‌ها در طول اعتراضات را نشان داد.

برانکو^۲ و همکارش (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان "رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان راهبردی برای جنبش‌های اعتراضی در عصر کنترل دولت‌ها"، بیان کرده‌اند که فناوری رسانه‌های اجتماعی سطح بی‌سابقه‌ای از شفافیت را ایجاد کرده است که اجازه می‌دهد بی‌عدالتی‌های اعمال‌شده از سوی دولت‌ها در یک پلتفرم بین‌المللی به اشتراک گذاشته شود. این امر در نهایت به انتقال قدرت به مردم در زمان ناآرامی و اعتراضات اجتماعی انجامیده است.

ری دازک^۳ (۲۰۱۹) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که شبکه‌های اجتماعی، که در برخی کشورها ابزاری برای خلق تحولات اجتماعی بوده‌اند، در اینجا نقشی ابزاری برای گمراه کردن کاربران ایفا کرده‌اند.

ایتزاکف و دیماری^۴ (۲۰۲۲) در پژوهش خود بیان کرده‌اند که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند امنیت روانی را افزایش دهند، درون‌نگری بازتابی را تقویت کنند و پردازش دفاعی را کاهش دهند؛ موضوعی که بر نوع کنش افراد تأثیر می‌گذارد.

سانداراراج و ریجش^۵ (۲۰۲۱) در پژوهش خود، تغییرات الگوهای رفتاری متأثر از گسترش شبکه‌های اجتماعی و افزایش استفاده از آن‌ها را تأیید کرده و گفته‌اند که این موضوع، کنش‌های افراد در جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

علی قلیف و یوسیفوف^۶ (۲۰۱۸) در پژوهشی درباره خطرات و تهدیدات امنیتی شبکه‌های اجتماعی، بیان کرده است که رواج شبکه‌های اجتماعی در میان کاربران، امکان تبدیل مدیریت دولتی به شکل "حکومت باز" و تغییر روابط دولت و شهروندان را فراهم می‌کند.

چی یین و یوئن^۷ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "شبکه‌های اجتماعی مجازی در سلامت اجتماعی" دریافتند افرادی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، از شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشتری برخوردارند.

1. Uwalak
2. Branco
3. Rydzak
4. Itzchakov & DeMarree
5. Sundararaj & Rejesh
6. Aliguliyev & Yusifov
7. Chien & Yuen

کاتفورد^۱ (۱۹۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه رسانه و امنیت اجتماعی می‌پردازد و دلایل استفاده از رسانه‌های همگانی در حوزه امنیت را برمی‌شمارد. وی در این پژوهش بیان می‌کند که رسانه‌ها راهی مؤثر برای آموزش گروه‌های بزرگ جمعیتی هستند که همه افراد جامعه و حتی اقشار پنهان را پوشش می‌دهند. همچنین، تأثیر رسانه‌ها بر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، لایه‌های بسیاری را به دور هسته اصلی خود در بر گرفته است.

ترومن^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی متغیرهای پیش‌بینی‌کننده ترس از جرم پرداخته است. یافته‌های او نشان می‌دهد که میان استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی از یک سو و ترس از جرم از سوی دیگر، رابطه معناداری وجود ندارد؛ اگرچه میان استفاده از مجموع این رسانه‌ها و ترس از جرم، رابطه معنادار ضعیفی مشاهده می‌شود.

جدول ۱. خلاصه سایر مطالعات انجام‌شده

پژوهشگران	سال	عنوان	نتایج
حسین‌پور و رشیدی	۱۴۰۰	اعتراضات دی‌ماه ۹۶ از منظر تئوری جامعه شبکه‌ای	شبکه‌های اجتماعی در بستر نارضایتی‌های موجود در جامعه و با افزایش کنشگری سیاسی، تسریع‌کننده و تقویت‌کننده اعتراضات و آشوب‌های دی‌ماه ۹۶ بودند. اشغال فضای شهری، گسترش ویروسی تجمعات، رهبری افقی، خودجوش بودن و ساخت پادقدرت از جمله عوامل تأثیربخش شبکه‌های اجتماعی در تشدید اعتراضات بودند.
نوروزپور	۱۳۹۸	تحلیل اعتراضات سیاسی دی‌ماه ۱۳۹۶	با بهره‌گیری از نظریه شناسایی اکسل هونت، به این نتیجه رسیده است که علت اعتراضات، نیازهای ذهنی بوده و در رأس این نیازها، مسئله تبعیض و تحقیر قرار دارد.
بنرzk ^۳	۲۰۲۲	نقش رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک حوزه عمومی در اعتراضات الجزایر: یک مطالعه تحلیلی	رسانه‌های اجتماعی جایگزینی برای رسانه‌های سنتی، جوامع مدنی و احزاب سیاسی مخالف هستند. به‌علاوه، رسانه‌های اجتماعی نقش مؤثری در بیرون کشیدن مردم از "مارپیچ سکوت" ایفا کردند و با دیدگاهی نوین در تبیین مکانیسم‌های تأثیر رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری افکار عمومی در شرایط استثنایی و ترس از انزوا و همنوایی، آن‌ها را وارد "مارپیچ بیان" کردند.

مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده، چند تفاوت کلیدی میان این پژوهش و مطالعات پیشین را نشان می‌دهد. نخست آن‌که کمیت مطالعات فارسی درباره این موضوع کافی نیست. دوم آن‌که بیشتر پژوهش‌ها فاقد روش‌شناسی‌های دقیق علمی بوده‌اند. در نهایت، بیشتر مطالعات انجام‌شده به بررسی عملکرد برخی از شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توییتر محدود بوده

1. Catford
2. Truman
3. Benrazek

و جامعیت شبکه‌های اجتماعی نادیده گرفته شده است. از این رو، در این مطالعه می‌کوشیم به شیوه‌ای نظام‌مند و با حفظ کلیت شبکه‌های اجتماعی، به بررسی موضوع یادشده بپردازیم.

مبانی و چارچوب نظری

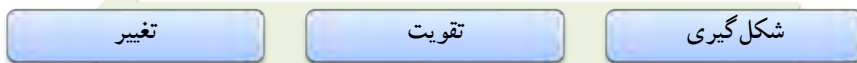
۱. نظریهٔ اقناع رسانه‌ای

در گذشته، یکی از اهداف مهم سخنوری و خطابه، اقناع مخاطب دربارهٔ موضوعی بود که از آن سخن می‌رفت. منظور از اقناع، همراه کردن مخاطب با گوینده است تا سخن او را تأیید کند. سورین و تانکارد در کتاب نظریه‌های ارتباطات، اقناع را چنین تعریف می‌کنند: «اقناع فرایندی است که با توسل به تعقل و احساس در قالب مهارت‌های کلامی، غیرکلامی و رسانه‌ای، افراد را به‌طور معمول برای تغییر رفتار و عملکردی معین تحت تأثیر قرار می‌دهد». هدف از اقناع این است که مخاطب پس از دریافت پیام یا اطلاعات، با توجه به نگرش خود، به آگاهی بیشتری یا دیدگاهی متفاوت نسبت به پیام دست یابد. هدف بیشتر پیام‌های رسانه‌ای، اقناع مخاطب برای باورکردن یا انجام دادن کاری است (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷).

به‌طور کلی می‌توان گفت واکنش کاربران در برابر پیام‌های اقناعی به سه شکل ظهور می‌کند: ۱. واکنش در حال شکل‌گیری: این حالت شبیه یادگیری است. هنگامی که معلم در جایگاه ترغیب‌کننده تلاش می‌کند تا با آموزش، شیوهٔ رفتاری را به دانش‌آموز بیاموزد و با دادن پاداش به تقویت رفتار او کمک کند، واکنش در دانش‌آموز شکل می‌گیرد.

۲. واکنش در حال تقویت: اگر مخاطب از پیش دربارهٔ یک موضوع نگرش‌های مثبتی داشته باشد، ترغیب‌کننده با یادآوری آن‌ها به تقویت این نگرش‌ها کمک می‌کند.

۳. واکنش در حال تغییر: این حالت، دشوارترین نوع اقناع است؛ زیرا به این موضوع می‌پردازد که کاربران می‌خواهند از نگرشی به نگرش دیگر، از حالتی خنثی به نگرشی مثبت یا منفی و در نهایت به تغییر رفتار یا در پیش گرفتن رفتاری جدید، انتقال یابند (مجد و غلامی شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۸۰).



شکل ۱. انواع واکنش‌ها به اقناع

مراحل پذیرش در فرایند اقناع

متقاعدشدن گیرندهٔ پیام به حقانیت آن و پذیرش آن از سوی مخاطب، به‌طور اتفاقی و ناگهانی

روی نمی‌دهد. پژوهشگران روان‌شناسی اجتماعی مراحل خاصی را برای نشر و پذیرش پیام‌های نوین و پدیده‌های جدید در طبقات جامعه در نظر می‌گیرند: آگاهی: نخستین مرحله در فرایند پذیرش، آگاهی است. جلب توجه و علاقه‌مندی: پیام نو و جدید برای آن‌که بتواند پذیرفته شود، لازم است توجه و علاقه پیام‌گیران را به خود جلب کند. ارزیابی نظری: گیرنده پیام پس از آگاهی و جلب توجه، به ارزیابی نظری پیام و پدیده نوین می‌پردازد.

آزمون عملی: پس از موفقیت پیام در مرحله ارزیابی نظری و یافتن پاسخی روشن و قانع‌کننده از سوی پیام‌گیر، نوبت به مرحله آزمون عملی می‌رسد. پذیرش و پیگیری: پذیرش، آخرین مرحله فرایندی است که با آگاهی آغاز می‌شود. نظریات جدیدتر درباره اقناع، که یکی از آن‌ها "رویکرد دادوستدی مری جان اسمیت" است، بر انتخاب‌های دریافت‌کننده تأکید می‌کنند. کاربران رسانه‌ها از میان پیام‌های فراوان انتخاب می‌کنند و به‌طور معمول معناهایی را که در فضایی خاص به پیام نسبت می‌دهند، درونی می‌کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۰).



شکل ۲. مراحل پذیرش در فرایند اقناع

۲. نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات سیاسی و اجتماعی

نقش شبکه‌های اجتماعی را در کسب نفوذ، جلب افکار و آرای عمومی، شکل‌دهی به افکار عمومی، استفاده از آن به عنوان ابزاری برای پروپاگاندا در روابط میان گروه‌های سیاسی و دولت‌ها و در نتیجه، تحولات سیاسی جهان نمی‌توان نادیده گرفت. با توجه به این واقعیت که شبکه‌های اجتماعی

در سال‌های اخیر به تحولات اساسی سیاسی و اجتماعی در گوشه و کنار جهان انجامیده‌اند، در ایران نیز استفاده از فضای مجازی به‌طور عام و شبکه‌های اجتماعی به‌طور خاص، از سوی مردم، دولت، گروه‌های صنفی، گروه‌های فشار، احزاب و گروه‌های گوناگون گسترش یافته است. برای نمونه، استفاده از فضای مجازی به یکی از ابزارهای اساسی پیش و پس از انتخابات برگزار شده در سال‌های گذشته تبدیل شده است. به نظر می‌رسد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی به وسیله‌ای جدید برای تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی- اجتماعی، عرصه سیاست خارجی و البته راه‌اندازی بحران‌ها و ایجاد اعتراضات و اغتشاش‌ها در فضای سیاسی تبدیل شده باشد.

اگر روزگاری پیوند افکار عمومی با رسانه‌های همگانی پیوندی دیرینه بوده، امروزه این پیوند با گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بیش‌ازپیش تقویت شده و معنایی جدید یافته است. رسانه‌ها هم به افکار عمومی شکل می‌دهند و هم آن را بیان می‌کنند (ویلیامز، ۱۳۸۶: ۸۷). نتایج تحقیقات کاستلز و توبارو نشان می‌دهد که در کنار مطالبات برحق اجتماعی- سیاسی که امروزه کاربران در فضای مجازی منتشر می‌کنند، به نظر می‌رسد بسیاری از پیام‌های دیگر به‌طور برنامه‌ریزی شده و با هدف مشخص ایجاد بحران و اغتشاش، از جایی دیگر ارسال و هدایت می‌شوند. با این اوصاف، ناکامی دشمن در ایجاد اغتشاش، چیزی از قدرت بی‌بدیل فضای مجازی به‌عنوان یک ابزار نرم، که پیش‌تر در خاورمیانه و آفریقا دیدیم، کم نمی‌کند (نورمحمدی و محمدی، ۱۳۹۲؛ ضیایی‌پور و عقیلی، ۱۳۸۸؛ کاستلز، ۱۳۹۳؛ آقایی، ۱۳۹۱). به هر ترتیب، بررسی و تحلیل نظریه‌های گوناگون نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند نه به‌عنوان علت اجتماعی، بلکه به‌منزله ابزاری در خدمت ایجاد و گسترش تحولات و جنبش‌های اجتماعی- سیاسی باشند. در جدول زیر، مهم‌ترین دیدگاه‌های نظریه‌پردازان و محققان داخلی و خارجی درباره مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذار شبکه‌های اجتماعی بر تحولات اجتماعی- سیاسی آمده است.

جدول ۲. نظریات مطروحه در خصوص اعتراضات خیابانی و نقش شبکه‌های اجتماعی

نظریه‌پردازان	نظریه	مؤلفه‌ها	شاخص
ویلیامز (۱۳۸۶)	شبکه‌های اجتماعی در دنیای مجازی (فرصت‌ها و تهدیدها)	گرایش به اغتشاش‌ها	تظاهرات، شعار دادن و حمل نوشته‌هایی با موضوع خسارت زدن و آتش زدن
کاسیلی و توبارو ^۲ (۲۰۱۲) کاستلز (۱۳۹۳)	شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان منبع اخبار، اطلاعات و تحلیل‌ها	بخش اخبار دروغین و شایعه‌ها در فضای مجازی	ارائه اخبار کذب، غیرواقعی، اشاعه شایعه مقایسه شرایط قبل با حال حاضر و...

1. Williams

2. Casilli & Tubaro

بوید و الیسون ^۳ (۲۰۰۷) ویلیام هونیس و کروتی ^۴ (۱۳۹۱)	نقش فیس‌بوک در تقویت سرمایه اجتماعی و گسترش تجمعات	پیام‌های ترغیب آمیز	تشویق به دفاع از حق، تشویق آمیز تخریب حاکمیت و ...
گافنی ^۵ (۲۰۱۰)	راهبردهای ایران در قبال شبکه‌های اجتماعی مجازی	تبلیغ حمایت ملی و بین‌المللی از معترضان	ترویج حمایت زبانی رهبران دیگر کشورها، تمجید جهانی معترضان و ...
کاستلز (۲۰۱۴) سالانوا ^۶ (۲۰۱۲) کاستلز (۲۰۱۳)	نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلابات و جنبش‌ها	بزرگنمایی و سراسری جلوه دادن اعتراضات	سراسری جلوه دادن تظاهرات، تبلیغ همه‌گیری تظاهرات،
کاسیلی و توبارو (۲۰۱۲)	تئوریزه کردن شبکه‌های اجتماعی و اغتشاش‌ها	سیاه‌نمایی و القای وجود فساد گسترده در کشور	تبلیغ اختلاس فراگیر مسئولین و ارتشاء و حیف‌ومیل بیت‌المال توسط آنها
ریدزاک ^۷ (۲۰۱۹) موما و تونس ^۸ (۲۰۱۳) بوهر مولر و مرو ^۹ (۲۰۱۱)	شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مطالبه‌ها و خواسته‌ها	افزایش مطالبه‌های اجتماعی	مطالبه انتصاب محلی مسئولین، مطالبه‌های زبانی، مطالبه‌های فرهنگی

منبع: مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی نگارندگان، ۱۴۰۲

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، پژوهشی کیفی با رویکرد تفسیری است که با بهره‌گیری از شیوه تحلیل مضمون انجام شده است. این شیوه بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنایی در داده‌های کیفی تمرکز دارد و فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و گوناگون را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند.

جامعه آماری این پژوهش همه افرادی را در برمی‌گیرد که از شبکه‌های اجتماعی به‌طور فعال استفاده کرده و در اعتراضات سال ۱۴۰۱ نیز مشارکت داشته‌اند. بنابراین، با توجه به پراکندگی و ناشناس بودن جامعه آماری و نبود امکان شناسایی نمونه‌ها، برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از شیوه نمونه‌گیری هدفمند گلوله‌برفی استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند برای افزایش فهم از افراد و گروه‌ها و توسعه نظریه‌ها و مفاهیم طراحی شده است (دورس و فرانکل^{۱۰}، ۲۰۰۰). در این شیوه، پژوهشگر یک شرکت‌کننده واجد شرایط را انتخاب می‌کند و پس از مصاحبه، از او

3. Boyd & Ellison
4. Williams Hoynes & Croteau
5. Gaffney
6. Salanova
7. Rydzak
8. Momah & Tunisia
9. Bohler-Muller & Merwe
10. Devers & Frankel

می‌خواهد فردی هم‌تا را معرفی کند. این فرایند تا دستیابی به اشباع نظری ادامه می‌یابد (کوربین و اشتراوس^۱، ۲۰۱۴).

شرط‌های انتخاب نمونه‌ها در این پژوهش عبارت بودند از: ۱. استفاده میانگین دست‌کم دو ساعت در روز از شبکه‌های مجازی و ۲. مشارکت در اعتراضات ۱۴۰۱. در این پژوهش، اشباع نظری پس از انجام ۲۳ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به دست آمد. ابزار گردآوری اطلاعات نیز مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. برای سامان‌دهی به داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از کدگذاری استفاده شد. اگرچه شیوه‌های گوناگون و ابتکاری بسیاری برای تحلیل مضمون ارائه شده است، در پژوهش حاضر از شیوه‌ای آتراید - استرلینگ (۲۰۰۱) استفاده کرده‌ایم. این شیوه در پی کشف مضامین مهم در یک متن در سطوح مختلف است و هم‌زمان ساختاری برای تحلیل ارائه می‌دهد و امکان تفسیر داده‌ها را فراهم می‌کند. به بیان ساده، این رویکرد شامل انتخاب واژگان کلیدی یا کدهایی است که در سراسر داده‌ها تکرار می‌شوند. سپس این کدها در خوشه‌هایی از اصطلاحات مشابه گروه‌بندی می‌شوند. شیوه‌ای آتراید - استرلینگ از سه مرحله تشکیل شده است (آتراید - استرلینگ^۲، ۲۰۰۱):

- مضامین پایه^۳
- مضامین سازمان‌دهنده^۴
- مضامین فراگیر^۵

یافته‌های پژوهش

نخست، ۲۳ مصاحبه انجام شده به‌طور کامل و عینی پیاده‌سازی شدند. سپس فرایند تجزیه و تحلیل متون و کدگذاری انجام شد و در نهایت، بر اساس اصول شیوه‌ای آتراید - استرلینگ، مضامین استخراج، دسته‌بندی و تفسیر شدند. توضیح آن‌که در این فرایند، ضمن جست‌وجوی مضامین مهم در متون مصاحبه‌ها در سطوح گوناگون، هم‌زمان در پی تبیین ساختار داده‌ها برای فراهم کردن امکان تفسیر آن‌ها نیز بودیم. در ادامه، فرایند تجزیه و تحلیل متون و استخراج مضامین (پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر) را بررسی می‌کنیم.

گام نخست: کاهش یا تجزیه متن (تجزیه و توصیف متن)

در این مرحله، یک چارچوب کدگذاری ایجاد شد و متون مصاحبه‌ها با استفاده از این چارچوب به گزاره‌های متنی تقسیم شدند. پس از شناسایی گزاره‌های مهم، مضامین و گزاره‌ها کدگذاری شدند.

1. Corbin & Strauss
2. Attridge-Stirling
3. Basic Themes
4. Organizing Themes
5. Global Themes

جدول ۳. کدگذاری گزاره‌های کلیدی

ردیف	مقوله	ردیف	مقوله	ردیف	مقوله
۱	تشویق به حضور در اعتراضات و اعتصابات	۱۳	اهانت به شخصیت‌ها و نهادهای سیاسی و مذهبی	۲۵	گزارش مکرر و تبلیغ خشونت‌های فیزیکی علیه اغتشاش‌کنندگان
۲	نقد مخرب اظهارات و عملکرد شخصیت‌ها و نهادهای سیاسی	۱۴	ناکارآمد جلوه‌دادن جریان‌های سیاسی کشور و عدم همراهی آنان با اعتراضات	۲۶	آموزش و خط‌دهی عملیاتی به اغتشاشگران
۳	تمسخر یا ناامیدی از به نتیجه نرسیدن تظاهرات	۱۵	ناکارآمدی اقتصادی و مدیریتی در ساختار حاکمیت	۲۷	تأکید بر ماهیت براندازانه اعتراضات و قابل‌مهارنبودن آن
۴	گزارش تخریب یا تصرف اموال و اماکن عمومی توسط دولت و حاکمیت	۱۶	گزارش خشونت‌های فیزیکی نیروهای نظامی و امنیتی علیه اغتشاش‌کنندگان	۲۸	بازتاب خبری اغتشاش‌ها و تظاهرات در سایر خبرگزاری‌ها
۵	فراخوان‌های متعدد و اطلاع‌رسانی جهت شرکت در تظاهرات	۱۷	گزارش تخریب‌گرانه نحوه برخورد نظام با اغتشاش‌ها	۲۹	کمک به جلب حمایت‌های بین‌المللی از اغتشاشگران
۶	قهرمانانه جلوه‌دادن اعمال اغتشاش‌کنندگان و ایجاد جو هیجانی	۱۸	تبلیغ فعالیت سلطنت‌طلبان در حمایت از اغتشاش‌ها	۳۰	گزارش وضعیت بازداشت‌شدگان در جریان اغتشاش‌ها
۷	حمایت از کشته‌شدگان اغتشاش‌ها و ایجاد فضای احساسی	۱۹	کوچک‌شماری تجمعات مردمی علیه اغتشاش‌ها	۳۱	گزارش مکرر اظهار همدردی مردم کشورهای اروپایی با مردم ایران
۸	قیام اهل سنت علیه حکومت در شهرهای مرزی	۲۰	حمایت سیاسی از اغتشاش‌کنندگان به صدور ویزا در صورت تشکیل پرونده سیاسی	۳۲	ناآرامی در میان اقلیت‌های قومیتی در کشور
۹	القای تصرف مناطق حیاتی کشور توسط معترضان	۲۱	پیوستن نیروهای امنیتی به صف اغتشاش‌ها	۳۳	تخریب شخصیت و جایگاه رهبر مردمی انقلاب اسلامی
۱۰	تخریب جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۲۲	القای بزدلی مسئولان حکومتی و دینی کشور	۳۴	راه‌اندازی جریان کشته‌سازی و اتهام آن بر گردن نیروهای امنیتی کشور
۱۱	اظهار فقر و فلاکت گسترده در کشور	۲۳	سانسور ریشه اغتشاش‌ها	۳۵	تسری اغتشاش‌ها به خارج از کشور علیه حاکمیت ایران
۱۲	بازتاب لحظه‌ای اخبار تجمع‌ها	۲۴	اقدامات و اظهارات بین‌المللی درباره اعتراضات	۳۶	حمایت از معترضان در صورت بازداشت

نقشه / سال سی و هشتم / شماره ۲ / پیاپی ۱۳۹ / ۱۸۴

نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری اعتراضات ... مهدی حاجی احمدی و همکاران (۱۹۷-۱۳۳)

گام دوم: کاوش در متن (تشریح و تفسیر متن)

گزاره‌های موضوعی استخراج‌شده از متون در مرحله پیشین، کاوش شدند و پس از پردازش اولیه در قالب مضامین اصلی و گزاره‌های ناظر بر هر مضمون دسته‌بندی شدند. در این مرحله اقداماتی مانند بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدها، مرتب کردن مضامین و اصلاح برخی از آن‌ها انجام شد.

جدول ۴. استخراج مضامین اصلی و دسته‌بندی گزاره‌ها

مضامین اصلی	گزاره‌های مرتبط
امکان سوءاستفاده از شبکه‌های اجتماعی در راستای بزرگنمایی وقایع	القای تصرف مناطق حیاتی کشور توسط معترضان
	کوچک‌شماری تجمعات مردمی علیه اغتشاش‌ها
	گزارش خشونت‌های فیزیکی علیه اغتشاشگران
	اظهار همدردی مردم کشورهای اروپایی با مردم ایران
امکان سوءاستفاده از شبکه‌های اجتماعی در راستای ایجاد هیجان و تهییج معترضان	تشویق و تهییج به حضور در اعتراضات و اعتصابات
	فراخوان جهت شرکت در تظاهرات
	بازتاب لحظه‌ای اخبار تجمع‌ها
	پیوستن نیروهای امنیتی به صف اغتشاش‌ها
	تحریک احساسات قومی و قبیله‌ای
	اقدام‌ها و اظهارات بین‌المللی درباره اعتراضات
	بازتاب خبری اغتشاش‌ها و تظاهرات در سایر خبرگزاری‌ها
	قهرمانانه جلوه‌دادن اعمال اغتشاشگران
امکان سوءاستفاده از شبکه‌های اجتماعی در راستای القای حس حماسه‌سازی	سانسور ریشه اغتشاش‌ها
	تبلیغ فعالیت سلطنت‌طلبان در حمایت از اغتشاش‌ها
	راه‌اندازی جریان کشته‌سازی و اتهام آن بر گردن نیروهای امنیتی کشور
	تسری اغتشاش‌ها به خارج از کشور علیه حاکمیت ایران
سهولت تحریک احساسات ناسیونالیستی (ملی‌گرایی) با توجه به قابلیت‌های خاص شبکه‌های اجتماعی مجازی	

حمایت از کشته‌شدگان اغتشاش‌ها	سهولت ایجاد حس تنفر و انزجار نسبت به حاکمیت و دولت با توجه به ضریب نفوذ بالای شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان اقشار مختلف جامعه و قابلیت‌های خاص آن و همچنین ضعف سواد رسانه‌ای کاربران
نقد نحوه برخورد نظام با اغتشاش‌ها	
اهانت به شخصیت‌ها و نهادهای سیاسی	
گزارش تخریب یا تصرف اموال و اماکن عمومی توسط حاکمیت	
گزارش خشونت‌های فیزیکی نیروهای نظامی علیه اغتشاشگران	
تخریب جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	
تخریب شخصیت و جایگاه رهبر مردمی انقلاب اسلامی	
ناکارآمدی جریان‌های سیاسی در کشور و عدم همراهی آنان با اعتراضات	
مقصر جلوه‌دادن شخص مقام معظم رهبری	
القای بزدلی مستولان امنیتی کشور	
کینه‌توزی نسبت به کادر انتظامی و امنیتی کشور	سهولت در ایجاد ناامیدی نسبت به آینده کشور در سایه ضعف سواد رسانه‌ای کاربران
نقد اظهارات و عملکرد شخصیت‌ها و نهادهای سیاسی	
جلوه‌دادن ناکارآمدی اقتصادی و مدیریتی در ساختار حاکمیت	
القای حس فقر و فلاکت گسترده در کشور	
اسفناک جلوه‌دادن شرایط اجتماعی و اقتصادی	
به حاشیه رفتن نخبگان	فراهم کردن بستری مناسب برای رهبری، ساماندهی و تقویت اغتشاش‌ها، با توجه به عدم سهولت رهگیری و نظارت آن‌ها و همچنین ضریب نفوذ بالای شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان اقشار مختلف جامعه
افتادن سرنوشت ملت به دست عدهٔ قلیل	
آموزش و خط‌دهی عملیاتی به اغتشاشگران	
تأکید بر ماهیت براندازانهٔ اعتراضات	
قیام اهل سنت علیه حکومت در شهرهای مرزی	
القای حس ناآرامی در میان اقلیت‌های قومیتی در کشور	
حمایت سیاسی از اغتشاشگران به صدور ویرا در صورت تشکیل پروندهٔ سیاسی	
حمایت‌های بین‌المللی از اغتشاشگران	
پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان در جریان اغتشاش‌ها	

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

سپس از میان مضامین اصلی و گزاره‌های طبقه‌بندی‌شده، شبکهٔ مضامین شامل مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج شد که در جدول زیر به تفکیک ارائه شده است.

جدول ۵. شبکه مضامین (سطوح سه گانه مضامین استخراج شده)

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه / اساسی
سیاه نمایی	تسهیل ترویج ناامیدی از آینده کشور	نقد اظهارات و عملکرد شخصیت‌ها و نهادهای سیاسی
		ناکارآمدی اقتصادی و مدیریتی در ساختار حاکمیت
		القای فقر و فلاکت گسترده در کشور
		القای بزدلی مسئولان امنیتی کشور
	غیر قابل اصلاح جلوه دادن شرایط	اسفناک جلوه دادن شرایط اجتماعی و اقتصادی
		به حاشیه رفتن نخبگان
		افتادن سرنوشت ملت به دست عدهٔ قليل
برجسته سازی	تسهیل بزرگنمایی وقایع	القای تصرف مناطق حیاتی کشور توسط معترضان
		کوچک شماری تجمعات مردمی علیه اغتشاش‌ها
		گزارش خشونت‌های فیزیکی علیه اغتشاشگران
		اظهار همدردی مردم کشورهای اروپایی با مردم ایران
	فراهم کردن زمینهٔ ایجاد تهییج	تشویق و تهییج به حضور در اعتراضات و اعتصابات
		فراخوان جهت شرکت در تظاهرات
		اقدام‌ها و اظهارات بین‌المللی دربارهٔ اعتراضات
		بازتاب خبری اغتشاش‌ها و تظاهرات در سایر خبرگزاری‌ها
تحریک عواطف (کینه توزی، انتقام جویی، عصبانیت، خشم)	امکان سوءاستفاده تحریک احساسات قومی و قبیله‌ای	تبلیغ فعالیت سلطنت‌طلبان در حمایت از اغتشاش‌ها
		راه‌اندازی جریان کشته‌سازی و اتهام آن بر گردن نیروهای امنیتی کشور
		تسری اغتشاش‌ها به خارج از کشور علیه حاکمیت ایران
	تحریک احساسات ناسیونالیستی	تبلیغ فعالیت سلطنت‌طلبان در حمایت از اغتشاش‌ها
		راه‌اندازی جریان کشته‌سازی و اتهام آن بر گردن نیروهای امنیتی کشور
		تسری اغتشاش‌ها به خارج از کشور علیه حاکمیت ایران
	تسهیل ایجاد حس تنفر و انزجار	حمایت از کشته‌شدگان اغتشاش‌ها
		نقد نحوهٔ برخورد نظام با اغتشاش‌ها
		ناکارآمدی جریان‌های سیاسی در کشور و عدم همراهی آنان با اعتراضات

اتهام‌زنی	مقصر جلوه‌دادن رهبری نظام	اهانت به شخصیت‌ها و نهادهای سیاسی
	تخریب شخصیت و جایگاه رهبر مردمی انقلاب اسلامی	تخریب شخصیت و جایگاه رهبر مردمی انقلاب اسلامی
جسارت‌آفرینی	تخریب نیروهای انتظامی و امنیتی	گزارش تخریب یا تصرف اموال و اماکن عمومی توسط حاکمیت
	ایجاد حاشیه امن برای اغتشاشگران	گزارش خشونت‌های فیزیکی نیروهای نظامی علیه اغتشاشگران
شایعه‌سازی	رهبری اغتشاش‌ها	تخریب جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
	القای حس حماسه‌سازی	حمایت سیاسی از اغتشاشگران
فراهم کردن زمینه بمباران خبری	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	حمایت‌های بین‌المللی از اغتشاشگران
	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	حمایت از معترضان در صورت بازداشت
فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	آموزش و خط‌دهی عملیاتی به اغتشاشگران
	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	تأکید بر ماهیت براندازانه اعتراضات
فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	وضعیت بازداشت‌شدگان در جریان اغتشاش‌ها
	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	قهرمانانه جلوه‌دادن اعمال اغتشاشگران
فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	سانسور ریشه اغتشاش‌ها
	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	بازتاب لحظه‌ای اخبار تجمع‌ها
فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	پیوستن نیروهای امنیتی به صف اغتشاش‌ها
	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	نشر اطلاعات بی‌اساس از فساد و روابط پشت پرده
فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	خبرسازی و اطلاعات غیرواقعی از اغتشاش‌ها
	فراهم کردن زمینه انتشار اخبار بی‌اساس	خبرسازی و اطلاعات غیرواقعی از اغتشاش‌ها

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

لازم به ذکر است که در همه مضامین ارائه‌شده در جدول ۵ و مضامین کلیدی استخراج‌شده از تحلیل کیفی، فقط نقش تسهیل‌کننده شبکه‌های اجتماعی مجازی مدنظر است و نه نقش علی آن‌ها. به این معنا که این شبکه‌ها به‌خودی‌خود نمی‌توانند اقدام‌هایی مانند سیاه‌نمایی، تحریک احساسات و شایعه‌سازی را انجام دهند؛ بلکه این فعالیت‌ها نتیجه استفاده مغرضانه یا سوءاستفاده کاربران و گروه‌های گوناگون از این پلتفرم‌هاست. به عبارت دیگر، شبکه‌های اجتماعی ابزارهایی هستند که امکان اشتراک‌گذاری نظرات، اطلاعات و احساسات را فراهم می‌کنند و به‌نوعی به تسهیل ارتباطات و جریان‌های اطلاعاتی کمک می‌کنند. بنابراین، این شبکه‌ها به‌ذات بی‌طرف هستند و عملکردشان به شیوه استفاده از آن‌ها و اهداف کاربران بستگی دارد. افزون بر این، ماهیت و چگونگی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم

به ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع هدف نیز وابسته است. در نتیجه، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند نقش تسهیل‌کننده یا حتی تحریک‌کننده در تحولات اجتماعی داشته باشند، اما خودشان بدون مشارکت کاربران قادر به ایجاد تغییرات نیستند.

گام سوم: ادغام و اکتشاف (ترکیب و یکپارچه‌سازی)

در این مرحله، به ترسیم شبکه مضامین به عنوان ساختارهای منسجم داده‌ها پرداخته شد. نکته ضروری در ترسیم شبکه مضامین این است که هیچ سلسله‌مراتبی وجود ندارد، اما در عوض، روابط متقابل میان گروه‌ها بهتر نشان داده می‌شود. نکته مهم این است که پس از ایجاد یک شبکه موضوعی، هدف آن است که این شبکه به عنوان ابزاری سازمان‌دهنده و گویا در تفسیر متن عمل کند. ساخت شبکه‌ها در تحلیل مضمون آتراید - استرلینگ نخست شامل انتخاب مضامین اساسی می‌شود که امکان "تقسیم مفهومی میان شناسایی مضامین و ایجاد شبکه‌های موضوعی" را فراهم می‌کند. در ادامه، مضامین نهایی و شیوه اثرگذاری آن‌ها در فرایند بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری اعتراضات و تبدیل آن‌ها به آشوب و ناامنی تشریح شده است.

سیاه‌نمایی	- هدف: ناامید کردن مردم از بهبود شرایط کشور - روش: سیاه‌نمایی، تخریب و اتهام‌زنی
برجسته‌سازی	- هدف: هدایت و مدیریت رویدادها و جریان‌ها - روش: تبلیغ‌های مکرر و متنوع، خبرسازی و شایعه‌سازی
تحریک احساسات	- هدف: ایجاد و تقویت چالش‌ها و اعتراضات و تضعیف همبستگی اجتماعی - روش: طرح موضوع‌های قومی و ناسیونالیستی، ترغیب و جسارت‌آفرینی
ترغیب و جسارت‌آفرینی	- هدف: ایجاد انگیزه برای مخالفان و جلوگیری از تضعیف اعتراضات - روش: تحریک احساسات، برجسته‌سازی
خبرسازی و شایعه‌سازی	- هدف: ایجاد انگیزه برای مخالفان و هدایت و مدیریت رویدادها و جریان‌ها - روش: سیاه‌نمایی، تخریب و اتهام‌زنی، برجسته‌سازی
تخریب و اتهام‌زنی	- هدف: قراردادن مردم در مقابل حاکمیت - روش: سیاه‌نمایی، تخریب و اتهام‌زنی، خبرسازی و شایعه‌سازی

شکل ۳. مضامین نهایی و الگوی مفهومی (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

بحث و بررسی

کلان‌مضمون: شایعه‌سازی

نظرات تحلیلی کارشناسان نشان می‌دهد با آن‌که نمی‌توان منکر وجود مشکلات اقتصادی و برخی نابسامانی‌ها در این حوزه بود، سیاه‌نمایی و شایعه‌سازی درباره وضعیت کشور و ارائه

اخبار و آمارهای کذب از میزان فساد اداری، مهم‌ترین عاملی است که از سوی دشمنان و ضدانقلاب خارجی و نیز افراد ناآگاه داخلی، به کار گرفته شد. این اقدام‌ها سبب ناامیدی برخی از مردم از حل مشکلات معیشتی و بیکاری شد و زمینه امیدواری کاذب دشمنان و دامن زدن به ناآرامی‌ها و اعتراضات اخیر را فراهم آورد. این یافته با دیدگاه‌های آنتونیو کاسیلی و پائولو نوبارو (۲۰۱۲) و همچنین کاستلز (۱۳۹۳) هم‌خوانی دارد. به باور آن‌ها، از آنجا که شبکه‌های اجتماعی به عنوان منبع اخبار، اطلاعات و تحلیل‌ها عمل می‌کنند، افراد بدون در نظر گرفتن ابعاد جامع یک مسئله، به نتایج ارائه شده در آن‌ها اعتماد می‌کنند. همچنین، این یافته با نظر کاسیلی و نوبارو (۲۰۱۲) و بورگانی و هالجین (۲۰۱۰) درباره نظریه پردازی شبکه‌های اجتماعی و اغتشاش‌ها مطابقت دارد که معتقدند این شبکه‌ها با تعمیم اشتباهات یک یا چند شخص به کل نظام، به سیاه‌نمایی و القای فساد گسترده در کشور اقدام می‌کنند. این نتایج با یافته‌های پژوهشگرانی چون عبدالرحمانی و همکاران (۱۴۰۰) درباره نقش القای فساد گسترده، انتشار اخبار دروغین و شایعات در گرایش به اغتشاش‌ها، یکسان است و یافته‌های حسین پور و رشیدی (۱۴۰۰)، نوروزپور (۱۳۹۸) و پانوار (۲۰۲۳) را نیز تأیید می‌کند.

کلان‌مضمون: برجسته‌سازی

یافته‌های کیفی این پژوهش نشان می‌دهد که برجسته‌سازی مسائل و مشکلات اجتماعی - اقتصادی از سوی کنشگران و فعالان شبکه‌های اجتماعی مجازی، نقشی محوری و تأثیری فزاینده در تقویت اعتراضات خیابانی و شعارهای ساختارشکنانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ داشته است. بررسی روند اعتراضات نشان می‌دهد که تجمع معترضان در نهایت به حضور مخالفان و معاندان کشیده شد و افراد اغتشاش‌گر و مخل امنیت نیز از فضای ملتهب و مستعد، برای ایجاد بحران‌های انتظامی - امنیتی بهره‌برداری کردند. آن‌ها مشکلات اجتماعی - اقتصادی را که بر پایه موضوع‌هایی میان‌رشته‌ای و زمینه‌ساز بحران‌ها و آشوب‌های انتظامی - امنیتی هستند، برجسته کردند. هدایت این فرایند از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی منتسب به جریان‌های رسانه‌ای معاند، به‌ویژه تارنماها و کانال‌های تلگرامی خبری و تحلیلی گوناگون، انجام شد. بنابراین، کاربران و کنشگران شبکه‌های اجتماعی، این حوادث و رویدادها را از بستر فضای مجازی به فضای حقیقی و میدانی سوق دادند و در وقوع این ناآرامی‌ها و اعتراضات تأثیرگذار بودند. این وقایع با نظریات کاستلز (۱۳۹۳)، هوینس و کروتی (۱۳۹۱) و سالانو (۲۰۱۱) مطابقت دارد که معتقدند برجسته‌سازی وقایع کوچک به تشویق اذهان عمومی می‌انجامد و آن‌ها را خشمگین و وادار به واکنش اعتراضی می‌کند. همچنین، این یافته‌ها با نتایج تحقیقات حاجی احمدی (۱۴۰۱) و یوسف بنرزک (۲۰۲۲) هم‌خوانی دارد.

کلان‌مضمون: تحریک عواطف

یافته‌های کیفی نشان می‌دهد که تحریک عواطف کاربران، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های به‌کاررفته در وقوع ناآرامی‌ها و اعتراضات ۱۴۰۱ بوده است. بازیگران و هدایت‌کنندگان شبکه‌های اجتماعی با ایجاد شکافی عمیق و القای بدبینی به اصل نظام و گفتمان انقلاب اسلامی میان گروه‌های سیاسی، در وقوع این اعتراضات تأثیرگذار بودند. تحریک احساسات قومی و قبیله‌ای، القای حس خشم از پایمال‌شدن حقوق، تحریک احساسات ناسیونالیستی، ایجاد حس تنفر و انزجار و القای حس کینه‌توزی نسبت به کادر انتظامی و امنیتی کشور، از دیگر اقدام‌ها و اهداف بازیگران در این بحران‌سازی‌ها بود. کاربران و کنشگران مغرض با تبلیغات گسترده علیه نظام و حاکمیت، با اهداف و شیوه‌های خاص خود در ایجاد بحران‌های امنیتی - انتظامی و ناآرامی‌های اجتماعی نقش آفریدند. نتایج نشان می‌دهد که بازیگران و هدایت‌کنندگان گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی و برخی مدیران حساب‌های کاربری در اینستاگرام و توئیتر، با استفاده از ابزار القای ناآرامی و ایجاد جو بدبینی در بخشی از جامعه و همچنین با بین‌المللی کردن ابعاد اعتراضات، تلاش کردند اقتدار حاکمیت را تضعیف کنند و به این ترتیب، در بحران‌های امنیتی و انتظامی تأثیرگذار بودند.

کلان‌مضمون: اتهام‌زنی و سیاه‌نمایی

بهره‌گیری از اتهام‌زنی عناصر بیگانه به شخصیت‌های سیاسی کشور در فضای مجازی، راهکار دیگری بود که یافته‌های این پژوهش، تأثیر جدی آن را در شکل‌گیری اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی - امنیتی ۱۴۰۱ نشان می‌دهد. این فضا بستری برای جریان‌های رسانه‌ای معاند و مخالفان انقلاب اسلامی فراهم کرد تا طرح نفوذ در حوزه‌های فکری، اعتقادی و فرهنگی کاربران جوان و حتی نخبگان دانشگاهی را اجرا کنند. از دیگر شیوه‌های تحریک کاربران، مقصر جلوه‌دادن رهبری، اهانت به شخصیت‌ها و نهادهای سیاسی و تخریب جایگاه رهبری بود. مخالفان با توجه به ناکامی در دستیابی به نتیجه مورد انتظار از تحریم‌های ظالمانه علیه کشور، به تبلیغ ناآرامی و سیاه‌نمایی از وضعیت کشور در قالب نسبت‌دادن آن به رهبری روی آوردند تا از این راه به هدف خود، یعنی فروپاشی نظام، دست یابند؛ راهکاری که در نهایت به شکست انجامید.

کلان‌مضمون: جسارت‌آفرینی

از جمله راهکارهای دیگری که برای ترغیب حضور گسترده در اعتراضات به کار رفت، ایجاد حاشیه امن برای مشارکت‌کنندگان، رهبری اعتراضات و القای حس حماسه‌آفرینی به کاربران از طریق شبکه‌های اجتماعی بود. پیامدهای تخریب اموال عمومی، ایجاد رعب و وحشت و

اقدام‌های مستقیمی مانند اعتصاب، خشونت و ضرب و شتم در فضای اجتماعی و آسیب‌زدن به بیت‌المال، در قانون جرم‌انگاری شده و با اعتراض مسالمت‌آمیز تفاوت دارد. کانال‌های تلگرافی و برخی حساب‌های کاربری تلاش کردند با ایجاد جسارت در افراد و اشاره نکردن به پیامدهای هرگونه اقدام تخریب‌گرانه، افراد را به شورش‌های گسترده و برهم زدن نظم عمومی ترغیب کنند.

نتیجه‌گیری

اعتراضات سیاسی و اجتماعی از مهم‌ترین موضوع‌هایی هستند که امنیت جوامع را با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو می‌کنند. در دهه اخیر، شبکه‌های اجتماعی مجازی به بستری برای شکل‌گیری و گسترش این اعتراضات در سراسر جهان تبدیل شده‌اند و این مسئله در سال‌های اخیر در کشور ما نیز نمود یافته است. بنابراین، مدیریت هوشمندانه این فضا برای پیشگیری از تکرار وقایع مخل امنیت و آرامش جامعه، امری حیاتی و ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش تلاش شد نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری اعتراضات و تبدیل آن‌ها به آشوب و ناامنی تبیین شود و در همین راستا، اعتراضات ۱۴۰۱ به‌طور موردی مبنای مطالعه قرار گرفت.

لازم به ذکر است که با توجه به انتخاب جامعه نمونه با شیوه گلوله‌برفی (به دلیل پراکندگی و ناشناس بودن جامعه آماری)، ممکن است نمونه، نماینده کاملی برای کل جامعه نباشد و تعمیم‌پذیری نتایج را با محدودیت‌هایی روبه‌رو کند. با این حال، در این پژوهش بیشتر ماهیت اکتشافی موضوع برای توجه هوشمندانه به فضای مجازی در سیاست‌گذاری‌های مدیریتی کشور مدنظر بوده است.

با این ملاحظه، تحلیل کیفی داده‌ها با استفاده از شیوه تحلیل مضمون نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی با بسترسازی و تأمین زیرساخت لازم برای معترضان مدنی و مخالفان، زمینه را برای بروز اقدام‌ها و کنش‌های گوناگونی مانند سیاه‌نمایی، برجسته‌سازی، تحریک احساسات (کینه‌توزی، انتقام‌جویی، عصبانیت و خشم)، اتهام‌زنی، جسارت‌آفرینی و شایعه‌سازی فراهم می‌کنند. این موضوع، بیانگر نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری اعتراضات و حتی تبدیل آن‌ها به آشوب و ناامنی است. شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان بستر تبادل اخبار، اطلاعات و تحلیل‌ها، در سایه نبود یا ضعف سواد رسانه‌ای کاربران، به‌مرور زمان زمینه را برای هدایت و مهار کنش‌های افراد از سوی گردانندگان و کانون‌های قدرت پشت پرده این شبکه‌ها فراهم می‌سازند. در نتیجه، افراد بدون در نظر گرفتن ابعاد جامع مسائل، به محتوای منتشرشده در این شبکه‌ها اعتماد می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهشگرانی چون عبدالرحمانی و همکاران (۱۴۰۰)، حسین‌پور و رشیدی (۱۴۰۰)، نوروزپور (۱۳۹۹) و پانوار (۲۰۲۳) هم‌خوانی دارد.

یافته‌های کیفی نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین شیوه‌های مخالفان برای ایجاد و تقویت ناآرامی‌ها و اعتراضات ۱۴۰۱، بهره‌گیری از ظرفیت اقناع‌سازی و برجسته‌سازی رسانه‌ها برای تحریک عواطف و احساسات کاربران بوده است. بازیگران و هدایت‌کنندگان گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی و برخی مدیران حساب‌های پرطرفدار در اینستاگرام و توییتر با توسل به القای ناکارآمدی نظام، ایجاد فضای یأس و بدبینی در بخشی از جامعه و بین‌المللی کردن ابعاد موضوع، برای تضعیف اقتدار حاکمیت تلاش کرده‌اند و به این ترتیب، در بحران امنیتی - انتظامی روی داده، نقشی تسهیل‌گر داشته‌اند. البته این موضوع، نتیجه سوءاستفاده از این پلتفرم‌ها در سایه نبود سیاست‌گذاری‌های مدیریتی و نظارتی است و نمی‌توان آن را کارکردی ذاتی و منفی برای شبکه‌های اجتماعی مجازی دانست.

برجسته‌سازی مشکلات اجتماعی - اقتصادی از سوی کنشگران تأثیرگذار در شبکه‌های اجتماعی، نقشی محوری و فزاینده در ایجاد اعتراضات خیابانی و سردادن شعارهای ساختارشکنانه علیه نظام جمهوری اسلامی داشته است. کاربران و کنشگران با القای ناکارآمدی نظام و ایجاد فضای التهاب درباره مسائل گوناگون اجتماعی و اقتصادی، در تشویش افکار عمومی نقش مهمی ایفا کردند و عاملی مؤثر در وقوع ناآرامی‌ها و اعتراضات بودند. این یافته با نظرات بوید و الیسون (۲۰۰۷) و هونیس و کروتی (۱۳۹۱) که بر نقش پیام‌های تشویق‌آمیز در تحریک احساسات جمعی تأکید دارند، همسو است. نتایج پژوهش جعفری‌پور (۱۳۹۸)، به عنوان تهدید جدی شبکه‌های اجتماعی به شمار می‌رود و آن‌طور که نوروزپور (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به آن دست یافت این مقوله نیاز حیاتی به شمار نمی‌رود و نیاز ذهنی است و تمرکز بر نیازهای ذهنی کاربران تأثیر بیشتری در تحریک آنان بر ایجاد تجمع‌های برهم‌زننده نظم دارد. بهره‌گیری از اتهام‌زنی عناصر بیگانه به شخصیت‌های سیاسی کشور در فضای مجازی، راهکار دیگری بود که یافته‌های پژوهش تأثیر جدی آن را در شکل‌گیری این اعتراضات نشان می‌دهد. این فضا بستری برای جریان‌های رسانه‌ای معاند فراهم کرد تا طرح نفوذ در حوزه‌های فکری، اعتقادی و فرهنگی کاربران جوان و حتی نخبگان را اجرا کنند. این تحلیل با دیدگاه کاسیلی و نوبارو (۲۰۱۲) و بورگانی و هالجین (۲۰۱۰) مبنی بر هدف قرار دادن اشخاص کلیدی کشور همسو است. به‌طوری که بررسی پانوار (۲۰۲۳)، نشان می‌دهد که با هشتگ‌های اعتراضی از اشخاص مهم و کلیدی کشورها و تولید و توزیع سریع فایل‌های صوتی و تصویری برخط جهت تخریب شخصیت آن‌ها استفاده می‌کنند و در پژوهش (حاجی احمدی، ۱۴۰۱) منعکس شده است که جریان سلطنت‌طلب (اپوزسیون) حاکمیت را حق موروثی خود پنداشته و مشروعیت سیاسی رهبری انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را مخدوش کند. ایجاد حاشیه امن برای مشارکت‌کنندگان، رهبری اعتراضات و القای حس حماسه‌آفرینی به کاربران از طریق شبکه‌های اجتماعی، از دیگر راهکارهایی بود که برای ترغیب حضور گسترده

در اعتراضات به کار رفت. این یافته با نظرات هاینلین (۲۰۱۲) و ویلیامز (۱۳۸۶) درباره نقش نمادهایی چون تظاهرات و شعار و همچنین با دیدگاه آلسوم (۲۰۱۲) و گافنی (۲۰۱۰) درباره تأثیر حمایت‌های بین‌المللی بر تقویت اراده معترضان، هم‌خوانی دارد.

پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی

- تغییر و تقویت برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و آموزش‌های مبتنی بر تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی.
- تقویت رصد و پایش مستمر شبکه‌های اجتماعی، دریافت بازخوردهای کنشگران و در نظر گرفتن آن‌ها در سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای.
- شناسایی سازوکارهای سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری در سطح راهبردی برای پیش‌بینی بحران‌ها و انجام اقدام‌های پیش‌گیرانه.
- امکان‌سنجی استقرار و ارزیابی کارآمدی یک مرکز ویژه کنترل بحران و رصد مداوم اخبار با محوریت پلیس فتا و پلیس اطلاعات و امنیت عمومی.
- تسهیل صدور مجوز برای تجمع‌ها و اعتراضات قانونی در راستای رعایت حقوق شهروندی.

منابع

- آقای، سید داوود؛ صادقی، سید سعید و هادی، داریوش (۱۳۹۱). واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. روابط خارجی، ۲۴(۲)، ۳۴-۷.
- <https://doi.org/20.1001.1.20085419.1391.4.2.8.6>
- بهمنی، مهرزاد و محمدی شکیبا، عباس (۱۳۹۳). پنداشت‌ها و برداشت‌های موجود در جامعه درباره شبکه‌های اجتماعی با استفاده از روش کیو. پژوهش‌های ارتباطی، ۲۱(۸۰)، ۳۵-۹.
- <https://doi.org/10.22082/cr.2015.15332>
- تومی، ایلکا (۱۳۸۳). جامعه‌دانایی و پرسش‌های پژوهشی آینده. ترجمه اسماعیل یزدان‌پور. تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات کشور.
- جان‌پور، محسن و حیدری موصول، طهمورث (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی فضای سایبر بر امنیت اجتماعی. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۴(۳)، ۱۴۱-۱۷۲. <https://sid.ir/paper/188857/fa>
- جعفری‌پور، مرتضی (۱۳۹۸). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در جهت ایجاد فرصت‌ها و تهدیدها در عرصه سیاسی و اجتماعی؛ مطالعه موردی اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم سیاسی. دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود.
- حاجی‌احمدی، مهدی (۱۴۰۱). شیوه‌های تأثیرگذاری رسانه‌ای مخالفین نظام، از طریق شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام (مطالعه موردی: صفحات اینستاگرامی، جریان سلطنت‌طلب). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدیریت رسانه. دانشکده ارتباطات و رسانه. دانشگاه ادیان و مذاهب.
- حسینی، حسین؛ مقدم فر، حمیدرضا و قنبرپور، مصطفی (۱۳۹۳). واکاوی نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی

<https://doi.org/10.1080/17475759.2021.1955223>

- Bohler-Muller, N., & Van der Merwe, C. (2011). The potential of social media to influence socio-political change on the African continent. *Africa Institute of South Africa, Policy Brief*, 46(2), 1. <https://doi.org/10.3389/fcomm.2024.1394949>
- Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. *Computer-Mediated Communication*, 13(1), 210-230. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.842399>
- Casilli, A. A., & Tubaro, P. (2012). Social media censorship in times of political unrest: A social simulation experiment with the UK riots. *Bulletin of Sociological Methodology/Bulletin de Méthodologie Sociologique*, 115(1), 5-20.
- Castells, M. (2006). The information age: Economy, society, and culture (Vols. 1, 2, & 3) Trans. A. Aligholian, A. Khakbaz, & H. Chavoshian,. Tehran: Tarh-e No. **[In Persian]**
- Castells, M. (2013). *Communication power*. Oxford University Press.
- Castells, M. (2014). *Networks of outrage and hope*. Trans M. Gholipour. Tehran: Markaz. **[In Persian]**
- Catford, J. (1995). The mass media is dead: Long live the multimedia. *Health Promotion International*, 10(4), 247-251. <https://doi.org/10.1093/heapro/10.4.247>
- Chien, Y., & Yuen, K. (2013). Impact of virtual social networks in community health. *Health and Social Behavior*, 275-291.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2014). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. (4th ed.). Sage Publications.
- De Landtsheer, C., Krasnoboka, N., & Neuner, C. (2014). Empirical evaluation of government and websites. In C. de Landtsheer et al. (Eds.), *E-political socialization, the press and politics: The media and government in the USA, Europe and China*, 123-155. Peter Lang.
- Devers, K. J., & Frankel, R. M. (2000). Study design in qualitative research—2: Sampling and data collection strategies. *Education for Health*, 13(2), 263-271. <https://doi.org/10.1080/13576280050074543>
- Gaffney, D. (2010). *#IranElection: Quantifying the role of social media in 140 characters or less* [Senior thesis]. Bennington College.
- Hajiahmadi, M. (2022). Methods of media influence by regime opponents through Instagram social networks (Case study: Monarchist Instagram pages) Master's thesis, Media Management. Faculty of Communication and Media, University of Religions and Denominations. **[In Persian]**
- Hosseini, H., Moghaddamfar, H., & Ghanbarpour, M. (2014). Exploring the role and function of virtual social networks in the 2009 Islamic Republic of Iran election events. *Afaq-e Amniyat*, 7(24), 53–77. **[In Persian]** <https://sid.ir/paper/502738/fa>
- Hosseinpour, R & Rashidi, A (2021). The January 2018 protests through the lens of network society theory. *Political Strategic Studies*, 10(39), 109–139. **[In Persian]** <https://doi.org/10.22054/qps.2021.60359.2829>
- Itzhakov, G., & DeMarree, K. G. (2022). Attitudes in an interpersonal context: Psychological safety as a route to attitude change. *Frontiers in Psychology*, 13, Article 932413. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.932413>
- Jafaripour, M (2019). Investigating the role of social networks in creating opportunities and threats in political and social domains: A case study of the January 2018 protests Master's thesis, Political Science. Islamic Azad University, Shahroud Branch. **[In Persian]**
- Janparvar, M., & Heidari Mouslou, T. (2011). Pathology of cyberspace on social security. *Order and Security Research Journal*, 4(3), 141–172. **[In Persian]**
- Jost, J. T., Barberá, P., Bonneau, R., Langer, M., Metzger, M. Nagler, J. Sterling, J., & Tucker, J. A. (2018). How social media facilitates political protest: Information, motivation, and social networks. *Political Psychology*, 39(S1), 85-118.
- Lamoureux, S., & Sureau, T. (2019). Knowledge and legitimacy: The fragility of digital mobilisation in Sudan. *Eastern African Studies*, 13(1), 35-53. <https://doi.org/10.1080/17531055.2018.1547249>
- Majd, O., & Gholami Shabani, S. (2019). Methods of audience persuasion in Saadi's *Golestan*. *Kharazmi University Persian Language and Literature*, 27(31), 179–193. **[In Persian]** <https://doi.org/10.29252/jpll.27.86.179>
- Momah, P. O., & Tunisia, E. (2013). The social media and political activism. *Humanities and Social Science*, 6, 45-47. <https://doi.org/10.9790/0837-0664547>

- Norouzeppour, M. (2019). Analysis of the January 2018 political protests. *Research letter of Political Science*, 14(4), Article without page numbers. [In Persian] <https://doi.org/10.22034/ipsa.2019.391>
- Nourmohammadi, M., & Mohammadi, R. (2013). The role of virtual social networks in the Egyptian revolution. *Political and International Research*, 5(14), 139–162. [In Persian] <https://sid.ir/paper/172865/fa>
- Branco -Palmieri, S. C. (2021). Social media as a strategy for protest movements in an era of government control Master's thesis. University of Ottawa. <https://doi.org/10.20381/ruor-26625>
- Panwar, K., & Sihag, V. K. (2023). Protest movements, social media, and the role of law enforcement. *International Journal of Information Systems and Social Change*, 14(1), 1-13. <https://doi.org/10.4018/IJISSC.314590>
- Rydzak, J. (2019). Shutting down social media does not reduce violence, but rather fuels it. The Conversation. <https://theconversation.com/shutting-down-social-media-does-not-reduce-violence-but-rather-fuels-it-111970>
- Sadeghian, S. J. (2010). Examining the functional role of media in national and public security. *Research Police Sciences*, 12(1), 165–189. [In Persian]
- Salanova, R. (2012). Social media and political change: The case of the 2011 revolutions in Tunisia and Egypt. *International Catalan Institute for Peace*, Working Paper 2012/7.
- Sundararaj, V., & Rejeesh, M. R (2021). A detailed behavioral analysis on consumer and customer changing behavior with respect to social networking sites. *Retailing and Consumer Services*, 58, Article 102190. <https://doi.org/10.1016/j.jretconser.2020.102190>
- Truman, J. (2005). Predictors of fear of crime and the relationship of crime rates and fear of crime. *The Pegasus Review: UCF Undergraduate Research Journal*, 1(1), Article 3. <https://stars.library.ucf.edu/urj/vol1/iss1/3>
- Tuomi, I. (2004). *Knowledge society and future research questions*. Trans E. Yazdanpour. Tehran: National Communication Research Center. [In Persian]
- Uwalaka, T. (2024). Social media as solidarity vehicle during the 2020 #EndSARS protests in Nigeria. *Asian and African Studies*, 59(2), 338-353. <https://doi.org/10.1177/00219096221108737>
- Williams Hoynes, D., & Croteau, D. (2012). *Media/society: Industries, images, and audiences*. [In Persian]
- Williams, K. (2007). *Understanding media theory*. Trans R. Ghasemian. Tehran: Saghi. [In Persian]
- Ziaei Parvar, H., & Aghili, S. V. (2009). Investigating the influence of social networks among Iranian users. *Media Scientific Quarterly*, 20(80), 23–42. [In Persian] <https://doi.org/20.1001.1.10227180.1388.20.4.2.5>
- Ziaei, S., Radfar, H., & Nouri, S. (2020). Media persuasion theory and its representation in informational performance. *Media and Culture*, 10(1), 79–100. [In Persian] <https://doi.org/10.30465/ismc.2020.5107>